

مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی
جمهوری اسلامی ایران
شماره بیست و پنجم، ۱۳۷۹، صص ۲۷۴ - ۲۵۵

التباس معنای مزایا و مصونیت‌ها در حقوق بین‌الملل تأملی بر تعاریف و مفاهیم

محمود صوراسرافیل*

مزایا و مصونیت‌ها مباحثی است که در حقوق و شاخه‌های آن، چه حقوق خصوصی و چه حقوق عمومی بدان پرداخته شده است، و بخصوص در حقوق بین‌الملل عمومی و شاخه‌ای از آن یعنی حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تحول بحث‌انگیزی یافته است. اهمیت این مبحث بدان جهت است که در قبال اصلی مستقر قاعده‌ای استثنایی به وجود می‌آورد. حال با توجه به این واقعیت که در علم حقوق کمتر اصلی می‌توان یافت که استثنای پذیر نباشد، در تحلیل نهایی، بررسی مزایا و مصونیت‌ها، در مقابل آنچه

*. پژوهشگر دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.

حقوق مشترك و عام نام گرفته، بررسی تعاریف و مفاهیم و بسیاری مسائل استثنایی قرار دارد. وانگهی معنی و مفهومی که از این دو اصطلاح برمی‌آید خود بر همین کیفیت دلالت دارد: برخورد اصل و استثنا.

بررسی مزایا و مصونیتها در حقوق بین‌الملل دامنه‌ای وسیع دارد. از آنجا که ما قصد نداریم به مسائل و مشکلات حقوقی این مبحث بپردازیم و غرضمان فقط بررسی وجوه اشتراك و افتراق این دو مفهوم است ابتداء به ریشه‌یابی این دو مفهوم و تعاریفی که از آنها به عمل آمده می‌پردازیم و سپس از منزلت آنها در شاخه‌های حقوق سخن خواهیم گفت و آنگاه تلاش خواهیم کرد که حد و حدود این تعاریف را در حقوق بین‌الملل معین بداریم.^۱

۱. مبحث مزایا و مصونیتها در حقوق بین‌الملل مبحث گسترده‌ای است و «تأملی بر تعاریف و مفاهیم» طبعاً گام اول. این‌که این مقوله از کدام جنبه شکلی است و مربوط به آیین دادرسی (و دادرسی بین‌المللی) و از کدام جنبه ماهوی گفتارهایی نیستند که در مقاله سی‌چهل صفحه‌ای بتوان حق مطلب را به درستی ادا کرد. این‌که «مصونیت از اعمال صلاحیت» چیست؟ چه اشخاص و نهادهایی، همچون دولت و سازمانهای بین‌الملل، ... و چه اعمال و فعالیت‌هایی

۱- ریشه‌یابی تعاریف و مفاهیم مزایا و مصونیت‌ها

مزیت (و جمع آن مزایا) و مصونیت که در زبان فارسی متداول است و بعضی محافل، به خصوص محافل سیاسی، و حتی بعضی لایه‌های اجتماع با آن کم و بیش آشنایی دارند، ترجمه دو اصطلاح متعلق به خانواده زبانهای لاتین است:

— *privilegium* و *privilège* به ترتیب در زبانهای فرانسوی و انگلیسی
— کم و بیش در دیگر زبانهای خانواده لاتین با همین املا - از کلمه لاتین *privilegium* گرفته شده است.

در زبان لاتین کلمه *privilegium* خود از دو جزء ترکیب یافته است:

مشمول مصونیت قرار می‌گیرند، مصونیت اجرایی در چه شرایطی قابل اعمال است و ... مباحثی است که به مقالات و گفتارهای بعد واگذار و در حال حاضر به همان بررسی تعاریف و مفاهیم بسنده می‌شود.

مقوله مزایا و مصونیت‌ها در دیگر رشته‌ها و شاخه‌های علم حقوق استثنایایی است که وجوه مشترکی با همین مقوله‌ها در حقوق بین‌الملل و بخصوص حقوق دیپلماتیک و کنسولی عرضه می‌دارند. این است که بررسی این مقوله‌ها در دیگر رشته‌های حقوق غیر از حقوق بین‌الملل کار مناسبی است.

privus به معنای شخص و Lex به معنای قانون. از جمع این دو جزء «قانونی راجع به شخص» مستفاد می‌گردد:^۲ قانونی که شخصی را نسبت به افراد عادی در وضع ممتاز و برتری قرار می‌دهد.

– مصونیت ترجمه کلمه *immunité* در زبان فرانسوی، *immunity* در زبان انگلیسی و دیگر زبانهای خانواده لاتین کم و بیش با همین املا است.^۳

در زبان لاتین، این کلمه دو جزء در بر دارد: *in* پیشوند نفی و *mūnūs* به معنای تکلیف و وظیفه، خدمت و تعهد و امثال آن، که «در حقوق مبین معافیت یا برائت از قید مسؤلیت [است]».^۴

در قیاس تعاریف و مفاهیم با یکدیگر، در بعضی لغتنامه‌ها و دانشنامه‌ها این دو مفهوم چنان به یکدیگر آمیخته‌اند که تفکیک یکی از

2. CORNU, *Vocabulaire juridique*, PUF, 1987, p. 42; *Shorter Oxford Dictionary*, II, 1983, p. 164.

۳. ذکر معانی از لغت نامه‌ها، بی در نظر گرفتن ترتیبی است که در همان مآخذ رعایت شده است:

GAFFIOT, *Dictionnaire Latin – Français*, 1934, p. 1003. CASSEL's *Latino – English, English – Latin Dictionary*, 1968, p. 383.

4. *Encyc. Britannica*, 1972, vol. 12, p. 2A.

دیگری کاری بس دشوار به نظر می‌رسد؛ جز این که به فراخور هر رشته و شاخه‌ای تطبیق و سازشی مفهومی به عمل آید: در حقوق خصوصی حاکم بر روابط اشخاص با یکدیگر، و در حقوق عمومی حاکم بر روابط دولت و افراد، از مصونیتی همچون مصونیت پارلمانی و مصونیت قضایی سخن گفته می‌شود، اما در حقوق بین‌الملل عمومی که حاکم است بر روابط دو یا چند دولت، استقلال و حاکمیت دولت‌ها و همچنین برابری آنها اقتضاء داشته است که هر دولت در قبال دولت دیگر در قبال مسائلی معین از مداخله مصون و امان بماند از این رو برای آنکه بهتر به گستره و دیگر جنبه‌های این مباحث در حقوق بین‌الملل پی برد، نظری اجمالی به وضع این مقوله در دیگر رشته‌ها و شاخه‌های علم حقوق مناسب بلکه مفید به نظر می‌رسد.

۲- تعاریف و مفاهیم در رشته‌ها و شاخه‌های علم حقوق

در بسیاری لغت‌نامه‌ها و دانش‌نامه‌ها تعریفی نیست که یکی از این دو مفهوم را

به جاي ديگري به كار نبرده باشد: مزيت را به جاي مصونيت، و بر عكس مصونيت را به جاي مزيت، چنانكه از بسياري جهات، نه از جميع جهات، دو مقوله را كم و بيش مي‌توان دو روي يك سكه پنداشت. علت اين در هم‌ميختگي را شايد بتوان آن دانست كه هرچند در مقوله مصونيت، عنصر مفهومي معافيت جزء لازم ريشه لغت است، در مفهوم مزيت اين عنصر نيز بنحوي وارد شده است: اينكه مزيت قانوني است راجع به شخص، شايد بدان سبب است كه بر اثر اين قانون معافيتي هم در حق منتفع از مزايا مقرر شود. با توجه به اين كه عنصر مفهومي واحد بين هر دو مقوله مشترك به نظر مي‌رسد، در هم‌ميختگي اين مفاهيم و تعاريف قابل توجه به نظر مي‌رسد. شاهد اين مدعا آن است كه در بعضي دانشنامه‌ها، تعريف از مصونيت داده‌اند كه درست از حيث عبارت و جمله‌بندي همان تعريف مزيت در ريشه لاتين است.

براساس تعريف مجمل و گويايي مزيت از طرفي و مصونيت از طرف ديگر، اين دو مفهوم در رشته‌ها و شاخه‌هاي ديگر علم

حقوق تابع مشخصات همان رشته و شاخه، و از جمله نقش دولت و در نتیجه حاکمیت در معنای هر یک از آنها است.

الف - در حقوق خصوصی

در حقوق خصوصی که نظامی است حاکم بر روابط افراد در اجتماع و دولت نقشی مستقیم در آن ندارد، تعریف مزیت به قانونی راجع به شخص و امتیازی که این قانون در حق او مقرر می‌دارد معنای وسیعی به این مفهوم می‌دهد. در این معنی، حق طلبکار به قیمت فروش اموال بدهکار مزیتی است که مبحث «دیون ممتازه»^۵ و مبحث «مستثنیات دین»^۶ در باب اجرای احکام و در باب رهن به طلبکار و مرتهن می‌دهد. در مبحث رهن، بنا بر ماده ۷۸۰ قانون مدنی، حق مرتهن (رهن گیرنده که همان بستانکار باشد) نسبت به

۵. دیون ممتازه شامل است بر «مطالبات بی‌وثیقه بستانکار که به حکم قانون گونه‌ای حق تقدم در وصول طلب خود بر سایر بستانکاران داشته‌باشد»، جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط، جلد سوم، ۱۳۷۸، شماره ۷۴۰۸، ص ۱۹۹۶.

۶. مستثنیات دین: «اموالی که برابر قانون در هنگام اجرای حکم یا سند رسمی مشمول مقررات اجرا نبوده و توقیف نمی‌شود و به ضرر مالک به فروش نمی‌رسد». جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، شماره ۵۱۵۸، ص ۶۴۷.

قیمت فروش اموال راهن (رهن دهنده که همان بدهکار باشد)، در نوع خود مزیتی است که به بستانکار تعلق می‌گیرد.^۷ همچنین ماده ۶۵ قانون اجرای احکام اعلام می‌دارد که «اموال زیر برای اجرای احکام توقیف نمی‌شود» و بدین ترتیب با توجه به نوع و کیفیت بعضی اموال مزیتی به نفع بدهکار مقرر داشته است.

ب - در حقوق عمومی و حقوق جزا

برخلاف آنچه در بخش مربوط به حقوق خصوصی به اجمال شرح داده شد، در این بخش و تحت این عنوان، دولت و حاکمیت دولت نقشی اساسی برعهده دارند. برحسب تقسیم بندی علم حقوق به دو رشته عمومی و خصوصی، حقوق عمومی مجموع قواعدی است که در حقوق داخلی، حاکم بر روابط فرد و دولت و در حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دولتی با دولت دیگر. در اینجا یادآوری

۷. طبق ماده ۷۸۰ قانون مدنی: «برای استیفای طلب خود از قیمت رهن، مرتهن بر هر طلبکار دیگر رجحان خواهد داشت». مشابه این ماده، ماده ۲۰۷۳ قانون مدنی فرانسه Code civil است که امتیاز بستانکاری را مشخص می‌سازد که وثیقه مال منقولی گرفته باشد.

چند نکته که بر سراسر این گفتار سایه افکنده، ضروری است:

۱- مزایا و مصونیتها به شخص یا اشخاص و نهادهایی تعلق می‌گیرد که وظایف و تکالیفی رسمی بر عهده دارند، و بی‌شک دولت در رأس این نهادها است.

۲- اشخاص برخوردار از مزایا و مصونیتها به شرطی می‌توانند آزادانه و فارغ از هر نوع مداخله وظایف و تکالیف مربوط را به انجام رسانند که از هرگونه فشار و سختگیری به خصوص رفتار پلیسی در امان بمانند: در حقوق داخلی از طرف دولت متبوعشان، و در حقوق بین‌الملل از اعمال صلاحیت دولت دیگر و لاقلاً در حد اعمال مربوط به حاکمیت.^۸

۳- برخورداري از مزایا و مصونیتها استثنایی است بر اصل نظام حقوق مشترک و عام^۹ و برابری عامه مردم نسبت به قانون.

۸. مصونیت از اعمال صلاحیت دولتی نسبت به دولت دیگر همان مقوله‌ای است که در زبانهای خارجی / Immunité de juridiction / Immunity from Jurisdiction نامیده می‌شود.

۹. نظام حقوق مشترک یا عام Droit commun نظامی است که علی‌الاصول بر تمام دعاوی و امور جاری است مگر این که نظامی خاص به نحوی دیگر مقرر کرده باشد.

در عنوان این بخش حقوق جزا در کنار حقوق عمومی جای گرفته، ولی ممکن است به اعتبار نظری دیگر، حقوق جزا در عداد رشته‌های حقوق خصوصی جای داشته باشد. این که حقوق جزا در عداد شاخه‌های حقوق خصوصی یا حقوق عمومی قرار بگیرد، بحثی است که ربطی به این گفتار ندارد. در تقسیم‌بندی علم حقوق به دو رشته، در این بخش مزایا و مصونیتها در رشته‌ای بررسی شده‌اند که با حاکمیت دولت سر و کار دارند، و حقوق جزا هم از جمله این رشته‌ها است.^{۱۰}

۳- تعاریف و مفاهیم در حقوق بین‌الملل

عمومی

در شرحی که خواهد آمد، مزایا و مصونیتها از دو جنبه بررسی می‌شوند: نظری کلی بر تعاریف و مفاهیم، و نظری جزئی بر حالاتی خاص. در بررسی نظری کلی، سیری اجمالی در مآخذ به عمل خواهد آمد

۱۰. این که حقوق جزا شاخه‌ای حدفاصل حقوق عمومی و حقوق خصوصی است و این حقوق تا چه حد وابسته به حاکمیت است. رک.

Frédéric DESPORTES, Francis GUNHEC, *Le Nouveau Droit Pénal Général*, Tome 1, 1999, p. 18 et 19.

و از حد کلیات فراتر نخواهد رفت. در بررسی نظری بر حالاتی خاص مصونیت‌های دولت و دیپلماتیک مورد توجه قرار گرفته است.

الف - نظری کلی بر تعاریف و مفاهیم

در بیان واقعیتی مسلم، در بسیاری لغت‌نامه‌ها و دانش‌نامه‌ها (آنسیکلوپدی‌ها)، مزیت مترادف و معادل «حق» دانسته شده است، زیرا مزیت قانونی است راجع به شخص، و در نتیجه بر اثر این قانون حقی هم به شخص اعطا می‌شود. این تعاریف در معانی کم و بیش یکسانی بکار رفته‌اند، و شاید هم بتوان گفت از یکدیگر گرفته برداری کرده‌اند، چنانکه در وهله نخست این‌طور به نظر می‌رسد که تلاش برای جستجوی تعریفی جامع ثمری در بر ندارد.

یکی از این مراجع، مزیت (privilège) را چنین تعریف کرده: «حق و امتیازی خاص^{۱۱} که به شخص یا طبقه‌ای از اشخاص تعلق می‌گیرد و آنان را مجاز می‌دارد بدون

11. avantages particuliers.

توجه به امتیازات مشترك و عام از آن برخوردار شوند».^{۱۲} مهم‌تر از همه آنکه این مراجع در تعریف مزیت تلویحاً به مصونیت هم متمایل شده‌اند؛ مصونیتی که در همین لغتنامه، این‌طور معنا شده است: «معافیت از خدمت و وظیفه، امتیازی^{۱۳} که قانون به بعضی از اشخاص اعطا کرده است»،^{۱۴} همان‌طور که دیده می‌شود این تعریف متقابلاً احاله‌ای هم به «مزیت» داده است. «معافیت از خدمت و وظیفه» تعریف اصلی مصونیت است که تعریف اصلی مزیت را نیز در برگرفته است یعنی «امتیازی که قانون برای بعضی طبقات قائل شده است». بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که احاله مزیت و مصونیت به یکدیگر از این دریچه قابل درک و بررسی به نظر می‌رسد.

همین عبارات و در کنار آن، رابطه مزیت و مصونیت را در تعاریف لغتنامه‌های دیگر می‌توان یافت. در یکی از آنها

12. Le ROBERT, *Dic. Alphabétique et Analogique de la Langue Française*, par PAUL ROBERT, T.3, 1981, p. 615.

13. prérogative.

۱۴. لو روبر، همان لغتنامه، ص ۶۷۰.

«مزیت را حق، امتیاز یا مصونیتی که به شخص یا دسته و طبقه‌ای از اشخاص اعطا می‌شود یا از آن بهره‌مند می‌شوند» دانسته و بلافاصله، همچون تعاریف دیگر، می‌افزاید «بیش از حد امتیازاتی که قانون مشترک و عام نصیب دیگران می‌نماید».^{۱۵}

اگر در همین لغتنامه‌ها به مدخل «مصونیت» (immunité)^{۱۶} مراجعه کنیم، در تعریف آن به جامعیتی بر می‌خوریم که مقوله مزیت را نیز در بر دارد. در مدخل «حقوق»،^{۱۷} مصونیت «معافیت از خدمت، تعهد، تکلیف و وظیفه؛ معافیت از پرداخت مالیات و برائت از اعمال صلاحیت» برداشت شده که با تعریف اصلی‌اش سازگار به نظر می‌رسد. ناسازگاری از آنجا آغاز می‌شود که جزء کلامی «مزیتی که به شخص یا دسته و صنفی از اشخاص اعطا شده» جزء کلامی تعریف اصلی مزیت است که در مقوله مصونیت وارد شده است. در نتیجه، تعریف و مفهوم مصونیت از آنچنان قوتی برخوردار

15. *The Shorter Oxford English Dictionary* II, 1983, p. 1674.

16. Immunity.

17. law.

شده که مقوله مزیت را در خود جذب کرده و در عداد امتیازات دیگر قرار داده است. در تعاریف دیگر، همین التباس معنا وجود دارد.

در لغتنامه‌ای، مزیت «حق یا مصونیتی که به منزله نفعی خاص،^{۱۸} امتیاز یا نظری مساعد^{۱۹} اعطا شده باشد»^{۲۰} تعریف شده است. اما در همین لغتنامه مقوله مصونیت چنین تعریف شده است: «معافیت یا برائت از بار مسئولیت، تکلیف، (قبول) منصب و مقام، مالیات و عوارض، محکومیت، خدمت، بخصوص وقتی قانون به شخصی یا دسته و صنفی از اشخاص اعطا کند».^{۲۱} هرگاه قرار باشد که مصونیت را بر رسته و صنف خاص معمول دارند، «معافیت اعطا شده به رسته و صنفی خاص از اشخاص و کاهش بار مسئولیت یا تکالیف و ناشی از برقراری نوعی رابطه با دیگران» مصونیتی می‌دهد که مصادیق مشهور آن: مصونیت

18. particular benefit.

19. favor.

20. *Webster's Third Dictionary*, Vol. II, 1971, p.1805.

21. *Ibid*, p. 1130.

پارلماني و مصونيت قضايي به شمار
ميروند.^{۲۲}

وحدت مبحث يا تفكيك مبحث

براي آنکه بهتر دانسته شود که
مزایا و مصونيتها هر يك منفك از ديگري
است يا هر دو مبحثي واحد، تعاريف
ديگري را از نظر ميگذرانيم.

همانطور که دیدیم بعضي مراجع مزیت
را «امتیاز،^{۲۳} برتری،^{۲۴} حق يا قدرتي
بیش از آن ميزاني که^{۲۵} حقوق مشترك^{۲۶} به
نفع ديگران فراهم ميآورد و يا بیش از
آنچه به رسمیت شناخته است»^{۲۷} دانسته، و
سپس این مفهوم را در دو معني وسيع و
محدود مورد توجه قرار داده اند. چنانکه،
«در معنایي وسيع، این کلمه در غالب
اوقات بر مجموع امتيازاتي اطلاق شده که
دولت محل مأموریت و میزبان^{۲۸} باید در

۲۲. در این گفتار با دو مصونیت پارلماني و قضايي مورد
بررسی قرار نگرفته اند.

23. Prérrogative.

24. avantage.

25. droit ou pouvoir supérieur.

26. droit commun.

27. *Dictionnaire de la Terminologie du Droit International*, p. 426.

۲۸. همانجا.

حق مأموران دیپلماتیک و کنسولها برقرار کند، و به تناسب آن امتیازات مصونیت‌هایی برای آنها به وجود آورد». در این برداشت، تعرض ناپذیری^{۲۹} یکی از این مصونیتها است. تعرض ناپذیری «مزیتی است اساسی و بنیاد مزیت‌های دیگر که یا نتیجه منطقی همان مزیت اساسی است یا فروعی وابسته به آن».^{۳۰} تعریف بی‌پیرایه اول نسبت به تعریف اصلی مزیت، - قانونی راجع به شخص -، موجه به نظر می‌رسد: کلمه «دیگران» همان اشخاص تلقی می‌شوند که صفت دیپلماتیک بر آنها اطلاق نشده است. در تعریف دیگر که مفهوم مزیت را در معنایی وسیع‌تر مورد توجه قرار داده است، مفهوم مصونیت را نیز در بر می‌گیرد. به ظاهر، امتیازات مورد نظر هم متضمن مزیت‌اند، و هم شامل مصونیت. از این دو تعریف چه بر می‌آید؟ آیا دو مفهوم مزایا و مصونیتها که در بسیاری اسناد و آثار و تألیفات ملتبس شده‌اند، هر یک اصالت خود را حفظ می‌کنند و یا اینکه هر دو را می‌توان مفهوم واحدی به

29. inviolabilité / inviolability.

30. Paul Fauchille, *Traité de droit international public*, 1926, vol.1, Partie 3, p. 63.

شمار آورد و به اصطلاح هر دو را پشت و روي يك سكه دانست؟^{۳۱}

در معنایي دقیقتر، اصطلاح مزیت، وقتی صحبت از «مزایا و مصونیتها» به میان می‌آید، در برگیرنده «امتیازاتی است که به سازمان ملل متحد، نمایندگان اعضا و کارکنان این سازمان (ماده ۱۰۵ منشور)،^{۳۲} قضات دیوان دادگستری بین‌المللی، کارگزاران، مشاوران و وکلای طرفین اختلاف (ماده ۳۱۹ و ۴۲^{۳۴} اساسنامه)، مأموران دیپلماتیک و کنسولها تعلق می‌گیرند».^{۳۵}

۳۱. نك. ص ۲۵۸.

۳۲. ماده ۱۰۵ منشور ملل متحد: ۱- سازمان در خاک هریک از اعضای خود از مزایا و مصونیتهایی که برای رسیدن به مقاصدش ضروری است برخوردار خواهد بود.

۳۳. نمایندگان اعضای ملل متحد و مأموران سازمان نیز به همین نحو از مزایا و مصونیتهاي لازم برای این‌که بتوانند وظایفشان را که مربوط به سازمان است مستقلاً انجام دهند، برخوردار خواهند بود.

ماده ۱۹ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری: «اعضای دیوان در اجرای وظایف خود دارای مزایا و مصونیتهاي دیپلماتیک خواهند بود».

۳۴. ماده ۴۲ اساسنامه دیوان: «نمایندگان، مشاوران و وکلای طرفین در محضر دیوان دارای مزایا و مصونیتهاي خواهند بود که برای انجام آزادانه وظایف آنان لازم است».

۳۵. همان مأخذ، ص ۴۷۷.

همانگونه که دیده می‌شود «حق»، مصونیت یا نفعی است^{۳۶} که شخص را بیش از امتیازاتی که به دیگران تعلق می‌گیرد برخوردار می‌کند»، و این در واقع تعریف مزایایی است که در بطن آن مفهوم مصونیت جای‌گرفته است.^{۳۷} این مصونیت که بر «معافیت از هر مسؤولیت طبیعی یا عادی دلالت دارد»،^{۳۸} تعریفی مجمل و فقط ناظر بر مسؤولیت عرضه می‌دارد که در منظری وسیع‌تر «معافیت از تعهد، خدمت، تکلیف، مسؤولیت مالیاتی، (مصونیت از) اعمال صلاحیت، ...»^{۳۹} قلمداد می‌شود. مصادیقی که برای این تعریف عرضه شده است بیش از همه با مصونیت از اعمال صلاحیت سر و کار دارد: سفیری که به جرم تخلف از مقررات

۳۶. وجود کلمه نفع در این تعریف بظاهر با هدف اصلی مزایا و مصونیت که در مقدمه کنوانسیون وین سال ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک اعلام شده، سازگار نیست. در مقدمه این کنوانسیون چنین آمده: «هدف مزایا و مصونیت‌های مذکور منتفع ساختن افراد نیست، بلکه تأمین انجام مؤثر و وظایف هیأت‌های دیپلماتیک در سمت نمایندگان دولتهاست». مسلم این که مصونیتی که در حق شخصی مقرر می‌دارند، متضمن این است که او را مورد حمایت قرار دهند تا بتواند وظایف مربوط را در شرایط مناسبی انجام رساند.

37. *Random House Dictionary of the English Language*, 1987, par. 1, p. 1541.

۳۸. راندم هاوس، همان لغتنامه، پاراگراف ۴، ص ۹۰۸.

۳۹. همانجا، پاراگراف ۵.

رانندگی تحت تعقیب قرار می‌گیرد، به مسؤلیت دیپلماتیک^{۴۰} متوسل می‌شود. در بررسی این دو مفهوم در رابطه یکی با دیگری، این برداشت مفهومی مصونیت را «مزیتی خاص»^{۴۱} می‌داند، به طوری که مزایا معنایی «عام» عرضه می‌دارد و نسبت به آن مصونیت معنایی «خاص».

بدین ترتیب، این مفهوم یعنی مزایا «امتیازاتی را شامل است بجز مصونیت‌هایی که، برحسب مورد، عرف و عملکرد دولتها را مشخص می‌کنند و در نتیجه یا مزایای مأموران دیپلماتیک را مستند قرار می‌دهند و یا مقتضیات وظیفه‌ای را که باید انجام پذیرد».^{۴۲}

با این حال چنین بر می‌آید که استنباط مزایا در معنایی دقیق فقط

۴۰. همان پاراگراف.

41. Special privilege, *ibid.*, par. 7.

۴۲. از صفحه ۱۲ تا اینجا به مقیاسی وسیع از منبع ذیل الهام گرفته شده:

Dictionnaire de la Terminologie du Droit International., pp. 320-322, 476-477.

غرض آن است که هر دیپلمات هم به اعتبار شأن و منزلت شخصی دارای امتیازات اجتماعی است، و هم از جهت وظیفه و منصبی که عهده‌دار آن است و باید در انجام آن از بعضی تسهیلات و امتیازات برخوردار باشد.

مصونیت‌هایی را در بر می‌گیرد که در تقسیم‌بندی منابع حقوق بین‌الملل، طبق ماده ۳۸/۱ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری از منابع قراردادی (عهدنامه) همچون منشور ملل متحد و جزء لاینفک آن اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری^{۴۳} نشأت می‌گیرند و به عکس مصونیت‌هایی را که از منبعی غیر قراردادی همچون عرف^{۴۴} بر می‌آیند نمی‌توان در مقوله مزایا گنجانند، آن‌هم عرفی که نسبت به عهدنامه از دقت کمتری برخوردار است، و این خود، لاقلاً بنابر باور لغتنامه یاد شده، وجه تفکیکی است بین مزایا و مصونیت‌ها.

در ارجاع مزایا به مصونیت‌ها، مصونیت «مزیتی است که شخصی را به دلالت حیثیت و وصفی که خاص خود اوست، از ادای تکلیف و الزامی معاف می‌دارد، تکلیف و الزامی که دیگران از قید آن رها

۴۳. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان که رسالت دارد اختلافاتی را که به وی رجوع می‌شود، طبق حقوق بین‌الملل حل و فصل نماید، منابع ذیل را اعمال می‌کند:

۱- پیمانهای عام یا خاص که رسماً قواعدی وضع کنند که دولتهای طرف اختلاف به رسمیت شناخته‌اند.

۴۴. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان:

۲- عرف بین‌الملل بمنزله دلیل معمول عامی در حکم قاعده ای حقوقی.

نتوانند شد؛ امتیازاتی که در حق شخصی (به خصوص خارجی) به رسمیت شناخته می‌شود و او را از شمول نظام حقوقی مشترک معاف می‌دارد». (به طور مثال، معافیت‌های پارلمانی، معافیت رئیس‌جمهور کشور فرانسه طبق قانون اساسی کشور فرانسه سال ۱۹۵۸، مواد ۲۶ و ۶۸).^{۴۵}

معافیت از ادای تکلیف و الزام به تبعیت از قانون، تعریف اصلی مصونیت است که طبعاً در تعاریف دیگر باید وجود داشته باشد، بدین ترتیب: «معافیت از شمول تکالیف و حقوق مشترک در نظام بین‌المللی شامل محدودیتهایی است بر اعمال صلاحیت قضایی و اقدامات دولتها و استثناهایی بر کاربرد قوانین آنان، آن هم تا حدی که حقوق بین‌الملل و عهدنامه‌ها مجاز دانسته‌اند، نسبت به دولتی خارجی، مأموران دیپلماتیک و کنسولها، قوای نظامی، کشتی‌های دولتی،».^{۴۶}

در هر یک از این دو تعریف که در حد کلی بیان شده، نوعی «معافیت از ادای

۴۵. CORNU، همان لغتنامه، ص ۴۰۷.

۴۶. فرمینگ ترمینولوژی حقوق بین‌الملل، ص ۴۷۶.

تکلیف و الزام» که در واقع معافیتی است از «شمول حقوق مشترک» و استثنایی بر صلاحیت داخلی دولتی نسبت به دولت دیگر، مصادیقی جزئی‌تر و دقیق‌تر وجود دارند: در رابطه با دیپلماسی از طرفی، مصونیت‌های دیپلماتیک، از طرف دیگر، مصونیت دولت.

ب - نگرشی بر حالاتی خاص

آنچه در بخش ۲ آمد، از حد کلیات تعاریف و مفاهیم درباب مزایا و مصونیت‌ها فراتر نرفته و مصادیقی هم عرضه نشده است، در این بخش، نگرشی اجمالی به حالاتی خاص که بخصوص با حیات دیپلماتیک و دولتها سر و کار دارد مورد توجه قرار داده شده است.

مزایای دیپلماتیک - امتیازاتی است که
حقوق بین‌الملل مأموران دیپلماتیک را از آن بهره‌مند می‌سازد تا بتوانند وظایفشان را آزادانه و فارغ از هرگونه مداخله انجام دهند، و یا برای این که نسبت به آنان شرط ادب و نزاکت رعایت شود، و

برحسب کاربردی که دولتها از این کلمه (مزایا) به عمل می‌آورند، مصونیتها را در بر می‌گیرند یا از آن تمییز داده می‌شوند.^{۴۷}

به طور مثال، قبل از ۱۹۶۱، سال امضای کنوانسیون روابط دیپلماتیک در وین، معافیت گمرکی مزیتی بر مبنای نزاکت بین‌المللی به شمار می‌رفت: هیچ دولتی مجبور نبود نسبت به اثاثیه و سایر اشیاء وارداتی دیپلماتهای دولت دیگر معافیت گمرکی برقرار کند، مگر به شرط عمل متقابل. از سال ۱۹۶۱ به بعد، اصل نزاکت بین‌المللی و شرط عمل متقابل دیگر ملاک عمل قرار نمی‌گیرد، و در نتیجه بنا بر ماده ۳۶ کنوانسیون، هر دولت طبق قوانین و مقررات اداری که وضع می‌کند، معافیت‌های گمرکی برای دیپلمات‌های خارجی معمول می‌دارد. بدین ترتیب، در سال ۱۹۶۱، کاربردی از کلمه مزیت به عمل آوردند که به صورت مصونیت گمرکی درآمده است.

۴۷. اقتباس از همان لغتنامه، ص ۴۷۷.

مصونیت‌های دیپلماتیک - تعریفی که از
این مصونیت‌ها در دست است، چندان اختلافی
نسبت به تعریف مزایای دیپلماتیک عرضه
نمی‌کند. با این حال، نظر بر این
قرار گرفته است که عین تعریف آورده شود:
«مجموع امتیازاتی که حقوق بین‌الملل
اعضای هیأت‌های دیپلماتیک، بعضی اشخاص
وابسته به این هیأت‌ها، و به موجب بعضی
عهدنامه‌ها، بعضی مأموران رسمی
بین‌المللی را از آن برخوردار کرده، و
آنان را از قلمرو قضایی صلاحیت دادگاه‌ها
و اعمال و اقدامات مقامات محلی، کاربرد
بعضی قوانین کشوری که در آن به سر
می‌برند، رها می‌سازد».^{۴۸} همانطور که در
بررسی مزایای دیپلماتیک خاطرنشان شده،
در بررسی مصونیت‌های دیپلماتیک وجود
امکان شرایط مناسب در انجام دادن
وظایف، علت وجودی اصلی است: «برای
انجام دادن وظایفشان و در طول مدت این
وظایف، مأموران دیپلماتیک از امتیازات
و مزایایی برخوردارند که مصونیت‌های
دیپلماتیک نام گرفته‌اند و اصلی‌ترین

48. Lapradelle – Niboyet, *Répertoire V^o agent diplomatique n^o6*.

آنها عبارتند از: تعرض ناپذیری، مصونیت از اعمال صلاحیت، معافیت از بعضی مالیاتها و الزامات مالی دیگر».^{۴۹}

در سال ۱۹۲۹، طرح علمی «مؤسسه حقوق بین‌الملل» مصونیت اماکن سفارتخانه‌ها را بر این مصونیتها افزود و بدین ترتیب در مجموع شش مصونیت به دست آمد و بر این اساس مصونیتها از مزایا تفکیک گردید. از تفکیک این دو مفهوم، «در معنایی دقیق، معافیت از قید اقدامات و اعمال مقامات محلی» که در تعریف مصونیت‌های دیپلماتیک ذکر آن رفت، ضابطه‌ای به دست می‌آید که مصونیتها را از بعضی مزایا تفکیک می‌کند: بنا بر آنچه در فرهنگ حقوق بین‌الملل آمده است، مصونیتها مشمول صلاحیت مقامات محلی قرار نمی‌گیرند، ولی بعضی مزایا از قید این صلاحیت خارج نمی‌شوند، از اینجاست که اصطلاح: مزایا و مصونیتها به صورتی با یکدیگر مرتبط شده و در بسیاری از اسناد، تألیفات و مدارک به کاربرده شده‌اند تا به صراحت فهمانده شود که مفهوم مزایا جدا از مفهوم

۴۹. لغتنامه ترمینولوژی، همان صفحه.

مصونیتهاست. مطلوب آن است که اصطلاح: مصونیت‌های دیپلماتیک جز درباره معافیت‌هایی که در فهرست لاپرادل - نیبوآیه و در طرح علمی مؤسسه حقوق بین‌الملل جمع‌آوری شده مزایای دیگری را در بر نگیرند.^{۵۰}

در همین زمینه، «امتیازاتی که مأموران دیپلماتیک و کنسولی را برخوردار می‌سازد و در نظر دارد استقلال و آزادی آنان را در برابر مقامات محلی تأمین کند»،^{۵۱} تعریف دیگری است که همان مصونیت را به پیش می‌کشد: تعرض ناپذیری شخصی و اموال او، مصونیت اماکن هیأت دیپلماتیک، حق مأمور به حفظ رمز و راز دیپلماتیک، معافیت از صلاحیت مدنی، جزای و اداری (دولت میزبان)، مزایای مالیاتی.

مصونیت دولت - در بین تعاریفی که از مصونیت در شاخه‌های علم حقوق به عمل آمده، تعریفی در حقوق بین‌الملل عمومی عرضه می‌شود که مهمترین و پرتلاطم‌ترین

50. Règlement de I.D.I sur les immunités diplomatiques, *Annuaire* 1929, II, p.307 et 308.

51. CORNU، همان لغتنامه، ص ۴۰۷.

آنهاست: مصونیت از اعمال صلاحیت. به موجب این مصونیت «دولتها را نمیتوان برخلاف اراده و میل آنها تحت صلاحیت دولت ثالث قرار داد».^{۵۲}

این تعریف تعریفی است مجمل و گویا، ولی بعضی لغتنامه‌ها، تعریف کاملتری به دست داده‌اند و مصونیت از اعمال صلاحیت را در محدوده وسیعتری تعریف کرده‌اند: «دولت خارجی را نه میتوان در دادگاه ملی به محاکمه کشاند (مصونیت از اعمال صلاحیت)^{۵۳} و نه میتوان داریی‌های آن را در معرض تدابیر اجرایی قرار داد (مصونیت اجرایی)».^{۵۴} این مصونیت یکی دیگر از «محدودیت‌هایی است که حقوق بین‌الملل عمومی بر صلاحیت دولتی وارد میکند و کم و بیش بطور کامل دولتهای خارجی، اعضای هیأت‌های دیپلماتیک،

۵۲. Le ROBERT ، همان لغتنامه، ص ۶۱۵ .
۵۳. در اصطلاح «مصونیت از اعمال صلاحیت» لفظ صلاحیت ترجمه فرانسوی Jurisdiction و انگلیسی Jurisdiction است. کلمه‌ای است مشتق از کلمه لاتین *Jurisdictio* که خود دو جزء دارد: *dicere & jus* یعنی اعلام حق، و در معنایی محدود صلاحیت دادگاه است که بگوید حق به جانب کیست. راجع به مفاهیم دیگر این کلمه رجوع شود به: *CURNU*، لغتنامه حقوقی.
۵۴. CORNU ، همان لغتنامه، ص ۴۰۷ .

کنسولها را ...» از قید این صلاحیت خارج می‌سازد.^{۵۵}

نتیجه‌گیری

– در تعریف اصلی دو اصطلاح مزایا و مصونیتها، هر یک معنی و مفهومی خاص به خود دارد، یکی قانونی است راجع به شخص، دومی معافیت از ادای تکالیف و وظایف و در واقع نوعی عدم مسؤولیت.

در سراسر این گفتار، بدین نکته پی‌برده شد که این دو مفهوم از بسیاری جهات، و نه از همه جهات، اگر نگوییم متحد دست کم هم‌میختگی فشرده‌ای به وجود آورده‌اند.

– با این حال، در بسیاری از اسناد و نوشته‌ها، اعم از عهدنامه بین‌المللی و آثار و تألیفات، این دو اصطلاح به صورت مفاهیمی مرتبط با یکدیگر آورده شده‌اند و ارجاع به آن اسناد از نظر کثرت موارد کاری بس دشوار می‌نماید.

۵۵. رجوع شود به: Immunité de Jurisdiction در فرمینگ ترمینولوژی حقوق بین‌الملل، ص ۳۳۱.

— (Ph. CAHIER) فیلیپ کیه،^{۵۶} استاد دانشگاه ژنو در تألیفی تحت عنوان «حقوق دیپلماتیک معاصر» چنین گفته است:

«تعریف دقیقی از اصطلاح «مزایا»^{۵۷} و «مصونیتها»^{۵۸} در دست نیست. دکترین و رویه قضایی این دو اصطلاح را فارغ از هرگونه قید و بندی با یکدیگر آمیخته و هر یک را به جای دیگری به کار برده اند.»

با این وصف، به عقیده نویسنده مذکور، بسیار کوشیده اند که وجه تمایزی بین این دو مفهوم بیابند. «هامر شولد مزایا را در سمت و سوی حیثیت و اعتبار»^{۵۹} قرار داده و مصونیت را در سمت و سوی تضمین»^{۶۰}. مؤلفان دیگری وجه تمایز این دو مفهوم را دقیقتر و بیابهامتر بیان کرده اند.

56. Philippe CAHIER, *Droit Diplomatique Contemporain*, Genève, Droz, 1964, p. 183-184.

57. privilèges.

58. Immunités.

59. Prestige.

60. Garantie.

61. A. Hammarskjöld, "Les immunités des personnes investies de fonctions internationales". *RCADI*, 1939, II, p. 157.

به عقیده پرنو (Perrenoud)،^{۶۲} مصونیت در «حالتی است که شخص تابع قاعده حقوق داخلی و ضمانت اجرای آن نباشد، و مزایا در حالتی است که قاعده‌ای خاص حقوق داخلی، به جای قاعده معمولی قرار گیرد». و در پایان این مبحث، وی می‌افزاید: «روا نیست بیش از این در این قبیل مسائل تأمل کرد، مسلم این که تحقیق در تفکیک مزایا و مصونیتها هیچ نتیجه‌ای عملی در بر ندارد». از دیدگاه نویسنده، تفکیک نظری بین دو مفهوم در واقع مفهوم وحدت مبحث را پیش کشیده است.

مؤلفی دیگر را عقیده بر این است که دو واژه «مزایا» و «مصونیتها» را نمی‌توان به جای یکدیگر استفاده کرد، و در دفاع از این عقیده بیان می‌دارد: «به طور کلی، مزایا به برخی از معافیت‌های ماهوی قوانین و کشور میزبان دیپلمات اشاره دارد (مانند مقررات مربوط به مالیات یا تأمین اجتماعی)، در حالی که مصونیت هیچ‌گونه معافیتی از قوانین

62. G. Perrenoud, *Régime des privilèges et immunités des missions diplomatiques étrangères et des organismes internationaux en Suisse*, Lausanne, 1949, p.21.

ماهوي نيست، بلکه از نظر شکلي نوعي حمايت در قبال روند اجرائي کشور ميزبان به وجود مي‌آورد». به عنوان مثال، ديپلمات از اطاعت قواني کشور ميزبان، وظيفه ادای دين و رعايت قوانين بيمه و مالياتي کشور ميزبان معاف نيست، ولي اگر اين مقررات را نقض کند، مقامات اجرائي کشور ميزبان نمي‌توانند وي را دستگير کرده و در محاکم ذيصلاح محاکمه کنند. پس از چند توضيح، نويسنده مذکور به اين نتيجه مي‌رسد که «ا ما وحدت رويه اي درخصوص تفکيک مزایا از مصونيتها وجود ندارد و به همین دليل آنها را بيشتتر به صورت مترادف با يکديگر به کار مي‌برند».^{۶۳}

– حاصل کلام آنکه مزيت قانوني است راجع به شخص، مصونيت معافيتي است از ادای تکليف و وظيفه. اما اينکه تا چه حد اين دو مفهوم در يکديگر آميخته اند،

۶۳. مسعود طارم سري، «نقدي بر: مصونيت ديپلماتيك، اصول، عملکردها و مسائل»، مجله سياست خارجي، فصلنامه دفتر مطالعات سياسي و بين‌المللي شماره ۲ و ۳ سال ششم، تابستان و پاييز ۱۳۷۱، صص ۲۸۴-۲۸۳.

Grant V. Mc CLANAHN, *Diplomatic immunity, Principles, Practices, Problems*, New York: St. Martin's Press, 1989, XVII 283 17.

نظر ما این است که پاسخ به این پرسش‌ها را در مقدمه کنوانسیون وین سال ۱۹۶۱ راجع به روابط دیپلماتیک بیابیم: «هدف این مزایا و مصونیتها بهره‌مند ساختن افراد نیست بلکه تأمین انجام مؤثر وظایف هیأت‌های دیپلماتیک در سمت نمایندگان دولتهاست».